



حتی نگاه کردن به دیوار مرگ و ترن لوپ هم دل و جرات می‌خواهد

پینت بال مرگ رنگی رنگی



آدم همین جوری که پای کامپیوتر می‌نشیند و گیم‌های خفن را می‌زند به بدن، کلی آدرنالین خونش می‌رود بالا. حالا فرض کنید که چند تا اسلحه نیمه‌واقعی دستتان بدهند و با دوستانتان با این اسلحه‌های نیمه‌واقعی بجنگید، دیگر اینجا اوج هیجان است. «پینت بال» که این روزها خیلی هم طرفدار دارد و برای خودش جزو بازی‌های رسمی شده و مسابقات جهانی هم دارد، یک چنین فضایی را ایجاد می‌کند. در پینت بال شما با رفاقتان که حداقل باید ۸ نفر باشید، دو گروه تشکیل می‌دهید و با اسلحه‌هایی که گلوله‌هایش، توپ‌های کوچک رنگی که جنس آن ژلاتینی است، در یک محوطه باز حدود ۱۵۰۰ متری شروع می‌کنید به جنگیدن.

زمین بازی هم مثل نمونه‌های واقعی جنگ پر است از مانع و سنگر و خاکریز که می‌توانید پشت آنها سنگر بگیرید و یکه‌وز از آن پشت یکی از نیروهای تیم رقیب را غافلگیر کنید و با شلیک به سمتش، یک مرگ رنگی رنگی را برایش دست و پا کنید.

هر دور بازی پینت بال حدود دو ساعت است و هر سری ۵۰ توپ به شما می‌دهند که اگر تمام شود، باید پول بدهید و یک بسته ۵۰ تایی دیگر بخرید. الان دیگر در بیشتر شهرهای بزرگ، پینت بال پیدا می‌شود؛ مثلاً غیر از تهران، شهرهایی مثل قم، همدان، ساری، رشت، شیراز و خیلی شهرهای دیگر هم این بازی را دارند.

قیمت آن هم بین پنج تا ده هزار تومان است که بسته به شهرها و مکان‌های مختلف فرق می‌کند. البته با این حال، پینت بال بام تهران و توجال و نمک‌آبرود از بقیه جاها معروف‌ترند.

مکان: بیشتر شهرهای بزرگ
قیمت: بین پنج تا ۱۰ هزار تومان

قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین شهر بازی ایران، دستگاه‌های عجیب و غریبی دارد که دل و روده مردم را می‌پیچاند به هم!

سرگیجه در شهر نورانی

کامران بارنجی

خیلی‌ها بزرگ‌ترین مرکز هیجان ایران را مجموعه تفریحی پارک ارم می‌دانند که در چند کیلومتری اتوبان تهران به سمت کرج ساخته شده است؛ جایی که به خاطر باغ وحش و دو مجموعه بزرگ شهر بازی (لونا پارک)، اواخر هفته یک عده زیادی از آدم‌های هیجان‌باز را به دل خودش می‌کشاند تا شاید بتواند کمی از هیجان زیاد این آدم‌ها را خالی کند. شما هم اگر می‌خواهید سری به این مرکز هیجان‌بزنید، با ما بیایید تا شما را بیشتر با آنجا آشنا کنیم.

خمیدگی در ۳۶۰ درجه

انگار سازندگان دستگاه‌ها رگ خواب هیجان را در این چرخش‌های ۳۶۰ درجه‌ای پیدا کرده‌اند. بعد از رنجر، «ترن لوپ» هم به هیجان‌انگیزترین دستگاه شهر بازی معروف شده است؛ وسیله‌ای که مثل همزاد دیگرش، رنجر، زرق و برق آن چنانی‌ای ندارد و نورهای عجیب و غریب از خودش متصاعد نمی‌کند. اما در دل این ظاهر بی‌شیله‌پیل، یک هیجان ۳۶۰ درجه‌ای دیگر نهفته است؛ هیجانی که با سوار شدن به یک قطار کوچک چهار نفره شروع می‌شود. این قطار در بالاترین نقطه ممکن دستگاه می‌ایستد و در یک چشم‌به‌هم‌زدن دنده‌اش خلاص می‌شود و با سرعتی سرسام‌آور در قسمتی که دستگاه ۳۶۰ درجه خمیدگی دارد می‌چرخد و به نقطه پایانی می‌رسد. کل هیجان این دستگاه به یک دقیقه هم نمی‌رسد اما در همین مدت کم، آن چنان مو به بدن همه طلب‌کنندگان هیجان سیخ کرده است که رنگ همه‌شان مثل گچ سفید شده است.

طالب مرگی اگر...

اینجا تنها جایی است که لازم نیست خودتان کاری انجام بدهید. شما می‌ایستید و یکی دیگر کار خطرناک انجام می‌دهد، آن وقت شما هم به هیجان در می‌آید. تماشای دیوار مرگ از قدیم‌الایام و از اولین روزهای کشف شهر بازی در ایران، جزو تفریحات هیجان‌انگیز به حساب می‌آمده است. الان هم وضعیت همین‌طور است و تعداد زیادی از آدم‌ها برای دیدن دیوار مرگ و ژانگولر بازی موتور سوار داخل آن دیوار، لحظه‌شماری می‌کنند؛ جایی که موتور سوار با صدای موتور گوش‌خراشش داخل یک محیط استوانه‌ای مرتفع می‌چرخد، تماشاگران هم هاج و واج دهانشان از حرکات عجیب و غریب موتور سوار باز می‌ماند. البته حق هم دارند چون این از جان گذشته دیوار مرگ، تا جایی دیوار مرگ را بالا می‌آید که بتواند با تماشاگران دست بدهد و تماشاگران هم هر لحظه به این فکر می‌کنند که اگر اتفاقی بیفتد، با جنازه‌ای در کف دیوار مرگ روبه‌رو خواهند شد؛ این اصل هیجان است.

جیغ زنی ولت نمی‌کنم

بعضی وقت‌ها متوجه می‌شوید که برای پول درآوردن چه شغل‌های عجیبی اختراع شده است؛ یکی‌اش یک آقا پسری است که وسط شهر بازی پارک ارم ایستاده و بیپوده دارد جمله‌های بامزه‌ای می‌گوید تا روحیه مردم را برای سوار شدن به دستگاه‌ها آماده کند؛ البته مردم قبلاً روحیه سوار شدن به دستگاه‌های عجیب و غریب را پیدا کرده‌اند و نیازی به این بامزگی‌ها نیست. «رنجر» جزو اولین گزینیه‌های هیجان‌زدگی است؛ دستگاهی که برخلاف دیگر دستگاه‌ها زیاد شلوغ بازی ندارد و خیلی منطقی ملت را ۳۶۰ درجه، دور محور اصلی‌اش و به آرامی می‌چرخاند.

زمانی که دور محورش به ۱۸۰ درجه رسید، یعنی ملت سر و ته شدند، یک توقف چند ثانیه‌ای هم می‌کند تا حسایی داد مردم در بیاید و وقتی خون به مغز رسید، آن وقت به آرامی به سمت پایین حرکت می‌کند تا مسافرش را پیاده کند؛ مسافرانی که بعد از تحمل چندبار هیجان سر و ته شدن، چشم‌هایشان گرد شده و از این پس دیگر سوار شدن بر دستگاه‌های مختلف به مذاقشان خوش می‌آید.

